

رنگ‌های ماندگار

اشاره

هیچ رنگ آمیزی ای، زیباتر از رنگ‌های ماندگار یک معلم آگاه نیست. معلمی که این حرفه را نه به عنوان یک شغل و وسیله‌ی ارتزاق برگزیده، بلکه در لباس یک نقاش هنرمند ظاهر شده است.

نقش یک معلم در نگاه، کلام، عواطف و احساسات، منش و تعاملات او تجلی می‌یابد و بی‌درنگ بر لوح و بوم شاگردانش می‌نشیند. معلم رنگ‌های ماندگاری را می‌باشد که هیچ آبی از دریا، و هیچ غباری از زمین و بادی از جریان هوا، رنگ آمیزی او را نمی‌تواند محو کند. از این رو، این نقاشی آن چنان اهمیتی پیدا خواهد کرد که ضرورت شناخت رنگ‌های نازیب و نامناسب، رنگ آمیزی‌های هدفمند و انسان‌ساز را آشکار می‌سازد.

در این بحث از هفت رنگ سفید، سبز، زرد، نارنجی، قرمز، آبی و بنفش کمک گرفته ایم. که به صورت سمبلیک مظهر و نماد اهداف و برنامه‌های یک معلم در طول سال تحصیلی فرض شده‌اند. رنگ‌ها در این بحث مبنای علمی، که در روان‌شناسی رنگ معمول است، ندارند و انتخاب آن‌ها کنایه از رنگ‌پذیری متربی از مریبی است.

شما نیز می‌توانید رنگ‌های دیگری را نمادی از سایر اهداف و برنامه‌های خود در کلاس فرض و مطرح کنید.

رنگ سفید

این رنگ حاکی از پاکی و صداقت انسان‌هاست، لوح سفید خمیر دانش‌آموز در ابتدای سال هنوز هیچ طرح و تصویری از معلم خود در بر ندارد. لذا باید قدر این رنگ را بدانیم و در جایگاه یک معلم به گونه‌ای برخورد کنیم که تصور به نسبت دقیق و صحیح و در عین حال شادی را از خود در ذهن دانش‌آموز خود ایجاد کنیم.

متخصصان امور تعلیم و تربیت عقیده دارند که پس از اولین جلسه‌ی کلاس درس، هر یک از دانش‌آموزان می‌توانند، به‌طور نسبی ارزیابی خاصی از معلم خود داشته باشند، بلکه دانش‌آموزان ما قبل از آن‌که در آزمون‌های رسمی ارزیابی شوند، آن‌ها خود، معلمان خویش را در نخستین جلسه‌ی کلاس ارزیابی می‌کنند. حال که،

ناخواسته چنین است، خوب است لوح سفیدی آنان را خود معلم، به صورت دقیق و شفاف برای آن‌ها رنگ آمیزی کند.

هر یک از معلمان در معرفی خود در اولین جلسه، روش خاصی دارند، برخی با نوشتن تنها نام خود بر روی تخته‌ی کلاس، خود را معرفی می‌کنند، لیکن می‌توان تشنگی و کنجکاوی دانش‌آموزان را در این مورد با توضیحات بیش‌تری برطرف کرد. حال یک نمونه از معرفی یک معلم جغرافیا را در اولین جلسه‌ی درس از خود مطرح می‌کنیم.

«من محسن راد هستم. اهل تهران و دارای تحصیلات لیسانس در رشته‌ی جغرافیا. سی و پنج سال قبل در تهران متولد شدم، دارای ۲ فرزند پسر، ۱۰ ساله و ۶ ساله هستم. به شهرهای گوناگون ایران سفر کرده‌ام، یک بار به حج مشرف شده‌ام. از ورزش والیبال و کوهنوردی لذت می‌برم. به قله‌ی سبلان در استان اردبیل صعود کرده‌ام.

از مطالعه و بازی فوتبال در وقت‌های آزاد استفاده می‌کنم، یک فرد خونگرم و اجتماعی هستم. مسافرت را خیلی دوست دارم، سبزی‌پلو با ماهی از غذاهای مورد علاقه‌ی من است.

به قول و قرارهایم با دیگران بسیار پای‌بند هستم و کسانی که با من کار می‌کنند می‌دانند که از بدقولی و بهانه‌جویی تفرج دارم. آدم سخت‌گیری نیستم، ولی سعی می‌کنم در کارهایم دقت و انضباط داشته باشم. اطلاعاتی در این حد می‌تواند کافی باشد و می‌توان از یک یا دو نفر داوطلب هم خواسته شود تا خود را این‌گونه معرفی کنند. بلکه دانش‌آموزان در اول سال تحصیلی تشنه‌ی شناخت معلم خود هستند که بدانند او چگونه فردی است و چگونه باید با او کار کنند.

این‌گونه معرفی علاوه بر رمزگشایی و ابهام‌زدایی از

بله همیشه و همه جا
نمی توان بر اساس منطق
ریاضی $2 \times 2 = 4$ امور را
پیش برد. ما در جایگاه
معلم، با مجموعه ای از
روح های پاک و معصوم
انسان ها روبه رو هستیم و
باید از یک روح منعطف
نیز برخوردار باشیم

خود، برای آنان نوعی صداقت و یک رنگی و پاکی راه ارمان
می آورد و در برقراری ارتباط مؤثر، بسیار راه گشا خواهد بود.

رنگ سبز

رنگ سبز، حاکی از لطافت و آرامش است. ما در
تعاملات خود می توانیم به گونه ای عمل کنیم که
دانش آموزان متوجه شوند با یک معلم جزم و یک دنده
روبه رو نیستند بلکه او را انعطاف پذیر و منطقی ببینند که
در مواقعی که ایجاب می کند با عفو و گذشت خود به هدف
بزرگ تری از تنبیه و تنه می رسد.

گاهی وقت ها ما خود را به تغافل بزنیم، و روی یک
کار اشتباه دانش آموز تمرکز نکنیم، ولی در ذهن داشته
باشیم که این خطا اتفاق افتاده، بعدها دانش آموز متوجه ی
خطای خود و بزرگواری معلم خویش خواهد شد. و در
خواهد یافت که با این تغافل، معلم خواسته است،
شخصیت او را حفظ کند.

وقتی معلم با صبر و حوصله در کلاس به سؤالات
دانش آموزان توجه می کند و حرف آن ها را قطع نمی کند.
آرامش بر کلاس حاکم می کند که در یادگیری آن ها بسیار
مؤثر خواهد بود. و خلاصه آن که این گونه عمل کردن،
رنگی از آرامش و وقار و سلامت روح را بر شخصیت
دانش آموز می باشد.

رنگ زرد

رنگ زرد نمادی از بایدهای یک معلم است. رنگ
جهت دهنده گی در فرایند یاددهی-یادگیری است. در
آموزش یک ساله، دانش آموزان باید در همان اوایل سال،
بایدهای کلاس معلم خود را بفهمند. یک معلم تعهدات،
انتظارات و قول و قرارهایی را که در کلاس در نظر دارد و
بر اساس آن کلاس را اداره می کند و آموزش می دهد،
ضرورتاً به صورت شفاف در کلاس مطرح کند. رنگ زرد
رنگ خشنی نیست و حکایت از آن دارد که می توان به این
قول و قرارها با هدایت معلم از طریق اجماع دست یافت.
بله می توان با کلاس به یک سری توافقات رسید؛ مثلاً
قرار می گذاریم که پس از تدریس ۳ یا ۴ درس یک آزمون
در کلاس انجام گیرد یا اگر کسی تکلیف مورد نظر را آماده
نکرد، (بدون دلیل موجه) با او این گونه برخورد شود.
و همین طور مثال هایی از این دست. مجموعه ی

نمرات، آزمون، نمره ی پرسش های کلاسی و
فعالیت های خارج از کلاس می تواند نمره ی مستمر
هر دانش آموز تلقی شود. بیان این قرارها و به توافق
رسیدن با کلاس تکلیف معلم و دانش آموز را به طور
شفاف روشن می کند و اعتماد متقابل را به همراه
خواهد داشت.

تبیین قرارهای یک ساله با دانش آموزان ضمناً به آن ها
می آموزد که در هر برنامه ی زندگی، تکلیف خود را با کار
و همکاران و اطرافیان شفاف و روشن کند و چیزی را در
ابهام نگذارند.

رنگ نارنجی

از دیگر رنگ های ماندگار بر شخصیت دانش آموزان
ما، رنگ نارنجی است، این رنگ می تواند نمادی از
نبایدهای تعاملات ما باشد.

به طور یقین ممکن است برخی رفتارها و اتفاقات در
کلاس رخ دهد که مطلوب یک کلاس درس و محیط
آموزشی نیست، این نبایدها می تواند از بی اجازه صحبت
کردن، تکلیف ننوشتن گرفته تا خود سرانه عمل کردن،
تبانی و به آشوب کشیدن کلاس درس و مانند آن ها باشد.
البته هر معلمی با توجه به ویژگی ها و خصوصیات
روحی خود، برخی از حرکات و رفتارها و جریان ها را در
کلاس بر نمی تابد. به طور ساده عده ای از دبیران از این که
دانش آموزان دور او جمع شوند و هر کس چیزی از او
بخواهد، دلزده می شود و این رفتار را نوعی بی احترامی
به خود می داند.

همه ی این نبایدها باید برای دانش آموزان تعریف شود
و آنان را بر حذر دارد. آنان نیز حدود آزادی های خود را
درک کنند. شاید در برخی موارد لازم باشد دلیل این
ممانعت ها را نیز بدانند، که علت این محدودیت ها و
قرارها چیست، بدیهی است که ممکن است بسته به
شرایط و تفاوت های فردی، موقعیت های گوناگون زمانی
و مکانی، برخی از رفتارهای نادرست دانش آموزان،
علی رغم قول و قرارها قابل عفو و گذشت باشد.

با این دو ویژگی؛ یعنی رنگ سبز (بایدها) و رنگ
نارنجی (نبایدها) دانش آموز، قاعده مداری یک زندگی
اجتماعی را بهتر درک می کند.

رنگ قرمز

قرمز، رنگ شناخت شرایط حاد است، خطوط قرمزی در محیط آموزشی وجود دارد که به هیچ عنوان شکسته نخواهد شد. هر معلم ممکن است یک یا چند خط قرمز در تعاملات خود در کلاس داشته باشد که بهتر به اهداف آموزشی خود می‌رسد.

این خطوط باید در اوایل سال مطرح و تفهیم شوند، و بی‌توجهی به حدود و ثغور آن می‌تواند اخراج از کلاس یا اخراج موقت از مدرسه را به دنبال داشته باشد. با تبیین این خطوط، دانش‌آموز می‌فهمد در هر محیط اجتماعی مرزهای ناگشودنی وجود دارد. که در هر حال باید محترم شمرده شوند.

این امکان هم وجود دارد که در کلاس هیچ خط قرمزی از سوی یک معلم رسم نشود و این مسئله به ویژگی‌های مدرسه و معلم برمی‌گردد.

رنگ آبی

رنگ آبی، رنگ منطق و حضور خرد در تعاملات آموزشی یک معلم است. به طور یقین در ارتباط دو جانبه‌ی معلم و شاگردان یا رابطه‌ی معلم با محیط یا فعالیت‌های گوناگون یک ساله، عقل‌گرایی مانند جای خاصی داشته باشد و ممکن است در این تعاملات، باری به هر جهت بودن، به دل و خواهش‌های نفسانی عمل کردن را در دانش‌آموز القا کند.

موضوع‌گیری‌های یک معلم در کلاس در قبال رفتارهای صحیح و ناصحیح دیگران، و نیز نوع قضاوتی که معلم می‌کند و اقداماتی که به آن دست می‌یازد می‌تواند نشانگر یک استدلال و خردورزی باشد یا برعکس نان را به نرخ روز خوردن، تصمیمات نسنجیده، دفاع‌های غیرمنطقی و بروز هیجانات بی‌دلیل، می‌تواند نشان از بی‌تعادلی روحی و بی‌مایگی او باشد. به هر حال رنگ آبی در طول سال برای کلاس فضایی را می‌سازد که دانش‌آموز را و می‌دارد برای هر کارش یک استدلال داشته باشد، دیگران به خاطر اشتباهاتش مقصر نداند و تفکر نقاد داشته باشد.

در چنین شرایطی کار، تفکر و خردورزی ارزش پیدا می‌کند و نه تقلب و از زیر کار در رفتن. او می‌آموزد که هر کس به اندازه‌ی سعی و تلاشش

می‌تواند انتظار نتیجه‌ی مثبت داشته باشد و در آینده در جامعه‌ی بزرگ فردا براساس سعی و کوشش خود از جامعه انتظار داشته باشد. بله معلم می‌تواند در طول سال این رنگ را مانند یک الگوی عملی آرام آرام بر صفحه‌ی جان دانش‌آموزش نقاشی کند و به یادگار بگذارد.

رنگ بنفش

رفتارهای منطقی، و اصولی معلم در کلاس و براساس قاعده، یک فضای کاملاً عقلایی و نسبتاً سنگینی را در کلاس و بر روح جامعه‌ی کوچک کلاس حاکم می‌کند. در حالی که ضرورت دارد این اعمال جبری عقل و منطق با چاشنی، مهر و محبت پدران‌ه‌ی یک معلم مزوج شود. می‌گویند گاهی وقت‌ها دل چیزی را می‌گوید که عقل با همه‌ی درایتش از فهم آن عاجز است. بله همیشه و همه‌جا نمی‌توان براساس منطق ریاضی

$2 \times 2 = 4$ امور را پیش برد. ما در جایگاه معلم، با مجموعه‌ای از روح‌های پاک و معصوم انسان‌ها روبه‌رو هستیم و باید از یک روح منعطف نیز برخوردار باشیم.

مغز ما انسان‌ها نیز از ۲ نیم‌کره‌ی راست و چپ تشکیل شده است که تفکرات منطقی و استدلالی ما را در عین بروز عواطف و احساسات از نیم‌کره‌ی دیگر سمت و سو می‌دهد. این ویژگی خدادادی حاکی از لزوم به‌کارگیری این ویژگی هاست. همان‌گونه که صلح کلی بودن و در همه‌ی امور احساسی عمل کردن نمی‌تواند برای یک معلم و یک مربی زینده باشد، به‌کارگیری روحیه‌ی منطقی صرف در همه حال، فضای سنگین و پرفشاری را بر محیط اطراف به وجود می‌آورد که کارساز نخواهد بود.

در پایان من به عنوان معلم که سعی در به‌کارگیری تجربیات خود را دارم، باید بگویم ما انسان‌های خوش‌شانسی هستیم و این توفیق الهی را داریم که در سنینی با دانش‌آموزان همراه می‌شویم که در حال شکل‌گیری شخصیت خود هستند و بهترین ساعات عمر خود را در آماده‌ترین حالت روحی با ما می‌گذرانند، این فرصت را غنیمت بشماریم و نسلی را هوشمند و هدفمند و در عین حال قانونمند، منعطف و معتدل بار بیاوریم تا توشه‌ای با خود به همراه داشته باشیم و تأسف برای معلمانی است که معلمی را فقط به عنوان شغل خود انتخاب کرده‌اند.

وقتی معلم با صبر و حوصله در کلاس به سؤالات دانش‌آموزان توجه می‌کند و حرف آن‌ها را قطع نمی‌کند. آرامش بر کلاس حاکم می‌کند که در یادگیری آن‌ها بسیار مؤثر خواهد بود